

عنوان مقاله:

فردوسی، پیامبر دانایی و شاهنامه، پاسدارنده اخلاق و حکمت ایرانیان

محل انتشار:

هفتمین همایش بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و حقوق کودک در جهان اسلام (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 13

نویسندگان:

سعداله رحیمی - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، کرمان

کبری رحیمی - دانشجوی دکتری مطالعات زنان، علوم و تحقیقات، تهران

خلاصه مقاله:

شاهنامه سرشار از اندیشه های زرف در حوزه هایی مانند جهان شناسی و انسان شناسی است. در شاهنامه عقل، خرد. دانش و علم بر همه چیز ترجیح داده شده است. فردوسی با درک عمیق جریان های فکری و سیاسی روزگار خود از یک سو و از هم گسیختگی و گسستگی چیستی و کیستی ایرانیان، به چنین کار مهمی همت گماشت. شاهنامه کتابی است که با ستایش خرد آغاز می شود نمی تواند متعلق به یک ملت باشد، بلکه مربوط به همه ملت هاست. گرچه بیشتر سروده فردوسی حول محور جنگ است که آن را بد می داند. ولیء پیام های ارج گذاری علم ودانش، اعتبار و احترام به انسان. گسترش داد و دادگری، میانه روی و آزادگی، شجاعت و خویشتن داری در سراسر آن موج است. داستان هایشاهنامه کلیدهایی هستند برای بازکردن قفل روانشناسی جمعی انسان ایرانی. این داستان ها هویت انسان ایرانی را تبیین می کنند و نشانی دهند که انسان ایرانی در مناسبات خویش با دیگران و با خود چگونه اندیشیده است و چگونه عمل کرده است. آداب و رسوم کهن ایرانی، در اسطوره و حماسه با حفظ ویژگی و تغییرهای متناسب با دو حوزه اخلاق و سازگاری با منش فرهنگی جامعه ایران. سال ها به پیش آمده است. ذهن و زبان ایرانیان همواره با رشد مرحله های فکری فرهنگی، از پرتو اسطوره باوری و اسطوره پیرایی در زندگی حال خویش جدایی ایجاد نکرده است. نتیجه این که. سخن همیشه تازه فردوسی در شاهنامه از جامعه دانایی محور و دانش بنیان سرچشمه دارد. وقتی شاهنامه خوانده می شود صدای حکمت ورزی و پرهیز از خشونت به گوش می رسد زیرا، کتابخانه ای از اخلاق و منش پاک ایرانیان در دسترس قرار دارد. که مردمانش برحق و برای حق در برابر بیگانه سرستیز دارند و توامان. خردورانه و سلحشورانه از استقلال سرزمین مادری خود پاسداری می کنند.

کلمات کلیدی:

فردوسی، شاهنامه، اخلاق، حکمت

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1674578>

